

## ترجمه قرآن، دیروز و امروز

### مقایسه چهار ترجمه قدیمی و جدید قرآن

تحول دیدگاه‌های مترجمان قرآن نسبت به ترجمه و نیز تحول زبان فارسی در قرون متمادی را می‌توان به نحوی ملموس در مقایسه چهار ترجمه قدیمی و جدید قرآن احساس کرد. در ترجمه‌های امروزی، برخلاف عموم ترجمه‌های قدیمی، از وابستگی غیرطبیعی به کلمات و ساختارهای زبان عربی کاسته شده و مترجمان ضمن آنکه می‌کوشند آیات را هرچه دقیق‌تر ترجمه کنند، به خواننده ترجمه‌های خود نیز نظر دارند و معتقدند ترجمه‌ای در خور قرآن، از نظر زبان، لزوماً ترجمه‌ای است هرچه زیباتر و روان‌تر. ترجمه‌های قدیمی قرآن، برغم ابداعاتی که مترجمان در ساختن واژه‌ها و ترکیب‌های فارسی از خود نشان داده‌اند، برای خواننده امروزی، چندان قابل استفاده نیستند. این تا حدی به دلیل تغییر اجتناب‌ناپذیر زبان فارسی در طی چندین قرن ترجمه قرآن است.

از چهار ترجمه‌ای که برای مقایسه برگزیده‌ایم دو ترجمه از ترجمه‌های قدیمی (ترجمه میبیدی و ترجمه معروف به قرآن‌ری) و دو ترجمه از ترجمه‌های جدید قرآن است (ترجمه زین‌العابدین رهنما و ترجمه عبدالمحمد آیتی). برای اینکه با ویژگی‌های زبان ترجمه این چهار مترجم بهتر آشنا بشویم، کار مترجمان را در دو نوبت در ترجمه آیات کوتاه و موجز (کَلَّ سوره النازعات) و آیات بلند (سوره اعراف، آیات ۱۴۸ تا ۱۵۹) مقایسه می‌کنیم.

ترجمه اول، ترجمه میبیدی، از چنان شهرت بسزایی برخوردار است که نیازی به معرفی آن نیست، ضمن آنکه ویژگی‌های زبانی این ترجمه به نحو بایسته در مقاله «ویژگی‌های ترجمه قرآن در تفسیر کشف‌الاسرار» مندرج در همین شماره مترجم بحث شده است. ترجمه دوم ترجمه معروف به قرآن‌ری است که توسط دکتر محمد جعفر یاحقی تصحیح شده و در سال ۱۳۶۴ بدون متن قرآن توسط موسسه

فرهنگی شهید محمد رواقی بچاپ رسیده است. به نقل از مقدمه مصتح، قرآن ری از جمله قرآنهاي مترجم کهنی است که بر حرم مطهر حضرت ثامن الحجج وقف شده و در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود. قرآن ری در سیزدهم صفر سال ۵۵۶ هجری توسط ابوعلی بن الحسن بن محمد بن الحسن الخطیب در قریه کهکابروی تحریر یافته است. این قرآن گذشته از لغات پارسی خوب برخی نشانه‌های لهجه مترجم (لهجه رازی) را نیز در بر دارد. دکتر یاحقی ضمن بر شمردن ویژگیهای زبانی قرآن ری درباره اهمیت ترجمه‌های کهن قرآنی - که تنها در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد شمار آن از پانصد متجاوز است - می‌گوید:

ترجمه‌های پارسی قرآن که در درازای ده قرن حیات ادبی پارسی، در گوشه و کنار این سرزمین پهناور و بر دست قرآن‌شناسانی پارسی‌دان و برخاسته از لهجه‌های گوناگون صورت پذیرفته، میراث گرانبهایی است، که بهیچوجه ارج و اهمیت آن برای پارسی‌دوستان و پژوهندگان علوم قرآنی شناخته نیست.

ایمان راستین این مترجمین شناخته و ناشناخته از یک سو و، اتکای بی‌شائبه آنان به توده مسلمان ایرانی - پشت به خداوندان زر و زور - از سوی دیگر، موجب آمده که معانی بلند و باریک‌واژه‌ها را، از کلام وحی و، زبان شیرین پارسی را از متن توده‌ها بجویند و کلام اعجاز را با اعجاز کلام بهم در آمیزند و طوطیان را از بنگاله تا اقصای قونیه با قند پارسی شکرشکن کنند. دریغا که این میراث گرانبسنگ چندان دیر نیاید، تا مسلمانان پاکدل و ایرانی امروز نیز بتوانند همچون پدران خویش، با همین دانش اندک، به مدد زبانی پاک و پیراسته از آلودگیها، به ژرفای سخن خدایش پی ببرند و به نجوای دل‌انگیز واژه‌ها دل بدهند، که دیری است دیواری میان قرآن‌شناسی و پارسی‌دانی برآمده است و دستانی نیز همواره در کار مرمت این دیوار...

به دلیل آن که این ترجمه‌ها به زمانها و مکانها و مترجمین مختلف مربوط است و هر کدام تحت تأثیر گویش محلی و استنباط و درک خویش، بطنی از کلام خدا را دریافته‌اند، برای کلمه واحد معانی متعدد و متنوعی عرضه داشته‌اند که بسیاری از آنها در هیچیک از متون پارسی و فرهنگهای موجود یافته نمی‌شود. گذشته از مفردات، درین ترجمه‌ها وجود ترکیبات اصیل پارسی که در برابر واژه‌های قرآنی قرار گرفته و معنی و حد و مرز آن کاملاً روشن می‌باشد، نیز مقتم است، تا آنجا که صفحاتی از یک ترجمه را مطالعه می‌کنیم بدون این که حتی به یک واژه عربی برخورد کنیم. بدیهی است اینگونه ترکیبات و مفردات می‌تواند فرهنگ‌نویسان و پارسی‌دوستان را بکار آید و مترجمین را بلاغت افزایش دهد.

ترجمه زین العابدین رهنما (۱۳۴۴) با عنوان فرعی "با ترجمه و جمع‌آوری تفسیر" در دو جلد بچاپ رسیده است. این ترجمه دارای یک مقدمه مبسوط هشتاد صفحه‌ای در توضیح برخی اصطلاحات و در بیان تاریخ و ویژگیهای قرآن و نیز یک بخش ضمیمه با عنوان "قرآن در ادب فارسی" است. در این بخش

مترجم اشعاری را که با الهام از قرآن سروده شده نقل کرده است. در هر صفحه متن عربی در یک ستون در قسمت راست و ترجمه آن در ستونی دیگر در مقابل آن آمده است. در قسمت پایین هر صفحه نیز تفسیر برخی آیات و کلمات نقل شده است. در ابتدای هر سوره توضیح مبسوطی درباره آن سوره داده شده (برای مثال مقدمه سوره البقره یازده صفحه است) و آیات هر سوره بر حسب ارتباط موضوعی دسته‌بندی شده و با عنوان بخش متمایز شده‌اند. زبان مترجم در ترجمه، مقدمه و پانویس‌ها زبانی ساده است و از موضوعاتی که مترجم برای بحث برگزیده معلوم است که مخاطبی عام در نظر داشته است. رهنما در بخشی از مقدمه درباره روش خود و ضرورت ترجمه قرآن می‌گوید:

... علما و دانشمندان ما از زمانی بس دور کوششها در ترجمه قرآن کریم بفارسی کرده‌اند. بعضی شیوه ترجمه تحت‌اللفظی را پیش گرفته‌اند و کلمه بکلمه قرآن را بدرستی ترجمه کرده‌اند و عده‌ای هم نقطه مقابل آن یعنی روش ترجمه بمعنی را پیش گرفته‌اند. هر دو گروه در این کار خود زحمت بسیار کشیده‌اند و البته کارهای پراچ آنها مورد استفاده محققین و مراجع کنندگان است ولی عامه و اکثریت خوانندگان نمیتوانند چنانکه باید و شاید از آن بهره‌مند شوند. نه زحمت دو بار و سه بار خواندن ترجمه‌های تحت‌اللفظی را بخود میدهند تا بفهم و ادراک آن چنانکه باید موفق شوند و نه در ترجمه بمعنی وقت تطبیق با اصل را پیدا میکنند که مزایای ترکیب زیبای قرآن را باز یابند. این نوع کارها و تحقیقها مورد استفاده بیشتر مردم نمیتواند قرار گیرد و بالطبع بیشتر مردم از چنین ترجمه‌ها بهره‌ای شایسته نمی‌برند....

اگرچه ترجمه گفته آفریدگار در گفته آفریده هرگز ننگند، و درست شبیه گذردادن جریان برق نیرومندی است از سیمهای ضعیف و ناتوان که واژه‌های انسانی ما باشد. ولی، کوشش فوق‌العاده کرده‌ام که ترجمه من نه تنها به متن قرآن هرچه بیشتر نزدیک باشد بلکه حتی المقدور همان ترکیب‌بندی جملات، همان سبک و انشاء و همان رنگ‌آمیزی کلمه و اختصار را که در قرآن شریف است نگاهدارد و تا آنجا که ممکن است از ترجمه تحت‌اللفظی و یا ترجمه بمعنی، که تمام عطر و رنگ و قاب و قالب زیبای آیات را از میان میرد، دوری جویم و هر جا که ناچار بترجمه بمعنی شدم ترجمه تحت لفظی آیه را در زیرنویس همان صفحه نوشتم تا خواننده محترم بر طرز جمله‌بندی اصلی آن آگاه باشد و هر جا که برای بیان و فهم مطلب در قالب فارسی ناگزیر با افزودن کلمه‌یی بر ترجمه شدم آن کلمه را میان دو هلال قرار دادم تا از متن جدا گردد.

و نیز در جایی دیگر از مقدمه با عنوان "من چگونه ترجمه و تفسیری می‌خواستم؟" دیدگاه خود را درباره ترجمه‌ای مطلوب از قرآن ارائه می‌دهد:

می‌خواستم ترجمه قرآن کریم ترجمه تحت‌اللفظی غیرقابل فهم نباشد و در عین حال می‌خواستم صرفاً ترجمه بمعنی هم نباشد که قاب و قالب نورانی کلام خدا و طرز آیه‌های درخشان قرآن - با آن سبک مخصوص و بسیار درخشنده‌یی که دارد - در عبارات و جملات فارسی از میان رفته باشد.

می‌خواستم حتی المقدور ترجمه‌ای باشد وافی و اصیل و در همان قاب و قالب طلائی

بیهمتای آیه‌های آسمانی که در متن عربی مشاهده میشود.

میخواستم ترجمه قرآن کریم بزبان ساده بدون واژه‌های نامرغوب و نامأنوس مانند- مراو را- مرمر او مانند اینها باشد و عبارات مبهم و پیچیده و غیرقابل فهم و یا دور از فهم در آن بکار نرفته باشد.

میخواستم ذوق و شوق مردم را برای خواندن ترجمه فارسی آن اگر بدرجه خواندن متن عربی حفظ نکند تا درجه‌ای پایدار نگهدارد، نه اینکه بکلی آنرا از میان ببرد و خواننده را روگردان کند.

میخواستم جوابگوی پرسشها و سؤالاتی باشد که برای هر خواننده هنگام خواندن متن قرآن دست میدهد و میل دارد آنها را بداند و بفهمد، این قسمت مربوط به تفسیرهای زیر صفحات قرآن میشود.

خلاصه میل داشتم و آرزو میکردم که در ادبیات فارسی ما چنین ترجمه و تفسیری دسترس (که در اصطلاح ادبی امروز، کتاب دسترس میگویند) انتشار یابد که برای همه سودمند باشد؛ برای مرد و زن، خرد و کلان، دیندار، بی‌دین، مسلمان و زرتشتی، مسیحی و یهودی، و خلاصه میخواستم این دژ مستحکمی که در حدود یکهزار و چهارصد سال دروازه آن بروی اکثریت مردم فارسی‌زبان و بروی فهم و ادراک عمومی بسته بود گشوده شود و همه بدرون این بهشت ادب و اخلاق و حکمت و درایت درآیند تا از گلهای معطر آن بهره کامل ببرند.

ترجمه عبدالمحمد آیتی (سروش، ۱۳۶۷) جدیدترین ترجمه قرآن کریم است که بدون مقدمه و با حواشی اندک به صورتی نفیس و زیبا بچاپ رسیده است. نسخه‌ای از این ترجمه که مورد استفاده نگارنده قرار گرفته، از چاپ دوم آن است که در تیراژ صد هزار منتشر شده است. در این نسخه خبر از چاپ سوم در تیراژ صد هزار داده شده که با این ترتیب می‌توان گفت که این ترجمه با توفیق زیاد همراه بوده است. بی‌تردید یکی از دلایل عمده توفیق این ترجمه زبان روان آن است. متن فارسی مقابل متن عربی و در دو صفحه جداگانه و بدون مزاحمت تفسیر و پراختها و قلاب‌های متعدد آمده است. درباره ترجمه آقای آیتی ستایش‌ها و نقدهایی بصورت پراکنده در مجلات بچاپ رسیده است ولی شایسته است امتیازات این ترجمه بر سایر ترجمه‌ها بدقت شناخته شده و از نظر معنی و سبک به‌طور مبسوط و عالمانه مورد نقد و بررسی قرار بگیرد.

## ترجمه میبیدی

## سورة النازعات

## النوبة الاولى

بنام خداوند فراخ بخشایش مهربان

- ۱- سوگند است بستارگان شتابان و هموار روان تا آنکه که در چشمه مغرب فرو شوند.
- ۲- بستارگان که از مشرق در میگیرند و میروند تا بمغرب رسند.
- ۳- و بستارگان روان که در فلک در موج اشناو میکنند.
- ۴- و بستارگان که در رفتن بر یکدیگر پیشی می‌کنند.
- ۵- بفرشتگان که بفرمان کارها می‌سازند و باز می‌اندازند.
- ۶- آنروز که بجنبند زمین جنیدنی.
- ۷- و بر پی آن ایستد پسته آمدنی.
- ۸- دل‌های است آن روز ترسند و لرزنده.
- ۹- چشم‌های ایشان فرو شده خواری در آن پیدا، و فرو شکسته از بیم در دیده نگران. می‌گویند [قریش]
- ۱۰- باش ما را با همان زندگانی خواهند برد که نخست داشتیم.

## ترجمه قرآن ری

## سورة النازعات

به نام خداوند روزی‌ده و بخشاینده

۱. سوگند یاد کند بدان فریشتگان که جان کافران گیرند،
۲. و بدان فریشتگان که بندها بر گیرند از جان مؤمنان،
۳. و بدان فریشتگان که جانهای مؤمنان بردارند،
۴. و بدان فریشتگان که پیشی گیرند در جانها مؤمنان،
۵. و بدان فریشتگان که تدبیر کارها کنند.
۶. آن روز که اندر دمند بصور نفعه نخست،
۷. از پس اندر آید نفعه دیگر.
۸. دلها خلق آن روز ترسان بود.
۹. چشم‌هاشان خوار شده بود.
۱۰. می‌گویند کافران که: ما را بر خواهند انگیختن اندرگور؟

## ترجمه زین العابدین ره‌نما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بنام خداوند بخشنده مهربان  
بخش اول - آن روز که همه چیز بلرزه در آید.

- ۱- سوگند به بیرون کشندگان (جانها) بسختی.
- ۲- (و) سوگند به بیرون کشندگان (جانها) به آرامی.
- ۳- و به شناگران تیزرو.
- ۴- و به پیشی گیرندگان بشتاب.
- ۵- و به تدبیرکنندگان (کارها).
- ۶- آن روز که (زمین) بشدت بلرزه در آید.
- ۷- و از پی آن آید درآینده‌یی:
- ۸- در آن روز دل‌هایی هراسان باشد.
- ۹- (و) چشم‌هایشان فروهسته باشد.
- ۱۰- گویند: آیا ما را بحال نخستین باز گردانند:

## ترجمه عبدالمحمد آیتی

## سورة النَّازِعَات

## (فرشتگان گیرنده جان)

به نام خدای بخشاینده مهربان

- ۱- سوگند به فرشتگانی که جانها را به قوت می‌گیرند،
- ۲- و سوگند به فرشتگانی که جانها را به آسانی می‌گیرند،
- ۳- و سوگند به فرشتگانی که شناورند،
- ۴- و سوگند به فرشتگانی که بر دیوان پیشی می‌گیرند،
- ۵- و سوگند به آنها که تدبیر کارها می‌کنند،
- ۶- که آن روز که نخستین نفخه قیامت زمین را بلرزاند،
- ۷- و نفخه دوم از پس آن بیاید،
- ۸- در آن روز دل‌هایی در هراس باشند،
- ۹- و نشان خشوع در دیدگان نمایان.
- ۱۰- می‌گویند: آیا ما را به حالت نخستین باز می‌گردانند،

### ترجمه میبدهی

- ۱۱- باش ما را درگور کنند، با زندگانی خواهند برد؛ آنگه که استخوان گردیم ریزیده.
- ۱۲- چنین میگویند که: پس آن بازگشتی بس با زیان کاری است و باید آمد.
- ۱۳- اکنون پس چنین است یک آواز است.
- ۱۴- که ایشان را بآن آواز با هامون رستاخیز رانند.
- ۱۵- آمد بتو و رسید قصه موسی بتو؟
- ۱۶- آنگه که خواند خداوند او او را بآن وادی پاک کرده و بآفرین نام او طوی.
- ۱۷- شو به فرعون شو که او سرکشید نهمار.
- ۱۸- اوفتند که پاک و هنری شوی، [داری توان آنکه با آن آئی که بهروز و پیروز گردی؟]
- ۱۹- و راه نمایم ترا بالله تا بشناسی و او را بدانی و از او بترسی.
- ۲۰- باو نمود آن نشان مهین.
- ۲۱- دروغ زن گرفت و سرکشید.
- ۲۲- پس آنگه برگشت بنهییب پیش باز.
- ۲۳- سپاه جاودان گرد کرد و آواز داد.

### ترجمه قرآن ری

۱۱. آنگاه ما گردیم استخوانی ریزیده.
۱۲. گفتند کافران: این انگیختن نابودنی است.
۱۳. بود انگیختن به یک بانگ اسرافیل.
۱۴. چون ایشان همی بروی زمین آیند.
۱۵. آمد به تو یا محمد خبر موسی؟
۱۶. چون بخواند او را خداوندش بدان وادی پاک کرده که نامش طوی بود.
۱۷. بشو بنزدیک فرعون که او بی فرمان شد.
۱۸. بگو او را می بود ترا ای فرعون که ایمان آوری؟
۱۹. و راه نمونی می کنم ترا به خداوند تو تا از عذاب بترسی.
۲۰. موسی به فرعون نمود آن علامت بزرگ، یعنی عصا و دست.
۲۱. بدروغ داشت آنرا و نافرمان شد.
۲۲. پس برگشت از موسی و مردم را،
۲۳. گرد کرد و آواز کرد.

## ترجمه زین العابدین رهنا

- ۱۱- آنگاه که استخوانهای پوسیده شدیم؟
- ۱۲- (و) گویند: این بازگشتی زیان بار است.
- ۱۳- و آن جز بانگی بلند نباشد.
- ۱۴- و همانگاه آنان در زمین سپید همواری (= صحرای قیامت) باشند.
- ۱۵- آیا داستان موسی بتو رسید؟
- ۱۶- آنگاه که پروردگارش او را در وادی مقدس «طوی» خواند.
- ۱۷- (و گفت): برو بسوی فرعون که او طفیان کرده است،
- ۱۸- پس بگو: آیا سیر آن داری که پاکیزه شوی؟
- ۱۹- و (من) ترا بسوی پروردگارت راه نمایم تا (از او) بترسی.
- ۲۰- پس آن معجزه بزرگ را بوی نشان داد،
- ۲۱- و (فرعون) تکذیب کرد و سرکشی نمود.
- ۲۲- و آنگاه روی گردانید؛ به تندوی می رفت.
- ۲۳- و (قوم خویش را) گرد کرد و آواز داد؛

## ترجمه عبدالمحمد آیتی

- ۱۱- آنگاه که استخوانهایی پوسیده بودیم؟
- ۱۲- گویند: این بازگشت ما بازگشتی است زیان آور.
- ۱۳- جز این نیست که تنها یک بانگ برمی آید،
- ۱۴- و آنها خود را در آن صحرا خواهند یافت.
- ۱۵- آیا داستان موسی به تو رسیده است؟
- ۱۶- آنگاه که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا داد:
- ۱۷- به سوی فرعون برو که طفیان کرده است.
- ۱۸- بگو: آیا تو را رغبتی هست که پاکیزه شوی،
- ۱۹- و من تو را به پروردگارت راه بنمایم و تو پروا کنی؟
- ۲۰- پس آن آیت بزرگ را به او نشان داد.
- ۲۱- و او تکذیب کرد و عصیان ورزید.
- ۲۲- سپس پشت کرد و می شتافت.
- ۲۳- پس همه را گرد کرد و ندا داد،



## ترجمه میدی

- ۲۴- وگفت: منم خداوند برترین شما.
- ۲۵- بگرفت الله او را بعقوبت سخن پسین و سخن پیشین.
- ۲۶- درین پندی و فرا پوشیده دیدنی است او را که صواب شناسد و بترسد.
- ۲۷- شما سخت ترید و دشوارتر در علم شما بر آفریدگار، در آفرینش یا آسمان؟ آفریدگار آنها بر افراشت و بی ستون برداشت.
- ۲۸- کاز آن بالا داد. و آن را راست کرد و راغ.
- ۲۹- و تاریک کرد شب آن. و بیرون آورد روز آن.
- ۳۰- و زمین را پس آن پهن باز کشید.
- ۳۱- بیرون آورد از زمین آب آن و گیازار و چراگاه آن.
- ۳۲- و کوهها را بر زمین فرو گذاشت و زمین را بآن بر جای بداشت.
- ۳۳- نیکوداری شما را و چهارپایان شما را.
- ۳۴- آن روز که داهیۀ مهین بیفتد.

## ترجمه قرآن ری

۲۴. وگفت: منم خدای شما آن خدای بزرگتر.
۲۵. بگرفت خدای او را خدای بعقوبت آن جهان و این جهان.
۲۶. و بدرستی که در این عبرتی است آنرا که بترسد.
۲۷. آفریدن شما دشوارترست از آفریدن آسمان یا که بیافرند آسمانرا؟
۲۸. و برداشت آسمان را و راست بداشت آنرا.
۲۹. و تاریک کرد شب را و بیرون آورد روز را،
۳۰. و زمین را پس این همه بگسترانید.
۳۱. بیرون آورد از زمین آب را و گیازار،
۳۲. و کوهها را محکم بداشت.
۳۳. منفعتی است شما را و چهارپایان شما.
۳۴. چون بیاید آن هول بزرگترین یعنی رستخیز،

## ترجمه زین العابدین رهنا

- ۲۴- و گفت: منم پروردگار برتر شما.
- ۲۵- پس خدا او را به عقوبت آخرت و دنیا بگرفت.
- ۲۶- بیگمان در این، پندی است برای آن که بترسد.
- بخش دوم - خدایی که آسمان را بنا نهاد.
- ۲۷- آیا آفرینش شما سخت تر است یا آسمانی که (او) بنا نهاد؟
- ۲۸- سقف آنرا برافراشت و آنرا بیاراست.
- ۲۹- و شب آنرا تاریک کرد، و روز آنرا پدید آورد.
- ۳۰- و پس از آن زمین را هموار کرد
- ۳۱- و بیرون آورد از آن آب و چراگاه آنرا،
- ۳۲- و کوهها را استوار کرد:
- ۳۳- برای برخوردارای شما و برای چهارپایان.
- ۳۴- پس چون حادثه بزرگ بیاید.

## ترجمه عبدالمحمد آیتی

- ۲۴- و گفت: من پروردگار برتر شما هستم.
- ۲۵- خدایش به عذاب آخرت و دنیا گرفتار کرد.
- ۲۶- در این عبرتی است برای کسی که می ترسد.
- ۲۷- آیا شما به خلقت سخت ترید یا این آسمانی که او بنا نهاد؟
- ۲۸- سقفش را برافراشت و پیرداختش،
- ۲۹- شبش را تاریک کرد و روشنایی اش را آشکار ساخت،
- ۳۰- و پس از آن زمین را بگسترده،
- ۳۱- و از آن آب بیرون آورد و چراگاهها پدید کرد،
- ۳۲- و کوهها را استوار گردانید،
- ۳۳- برای بهره گیری شما و چارپایان.
- ۳۴- چون آن حادثه بزرگ در رسد،

### ترجمه میبیدی

- ۳۵- آن روز که مردم را یاد آید هر چه در دنیا کرد.
- ۳۶- و بهامون آرند دوزخ نگرنده را.
- ۳۷- اما آنکس که سرکشید و ناپاکی کرد.
- ۳۸- و این جهان را گزید و این را بجای آن دیگر پسندید.
- ۳۹- آتش او را جایگاه است و بازگشتن گاه.
- ۴۰- و اما او که از ایستادن گاه پیش خدای خویش بترسید و خویشتن را از بایست نبایستی باز زد.
- ۴۱- بهشت او را جایگاه است و بازگشتن گاه.
- ۴۲- می پرسند ترا از رستاخیز. که کی است هنگام پیدا کرد آن و آوردن آن؟
- ۴۳- تو درجه ای از یاد آن و که ای تو بدانش هنگام آن؟
- ۴۴- بازگشت و سرانجام دانستن هنگام رستاخیز با خدای تو است.
- ۴۵- تو ترساننده و آگاه کننده او ای که بآن گرویده است و از آن می ترسد.
- ۴۶- گوئی ایشان آن روز که رستاخیز بینند و کار آن، در دنیا نبودند و درنگ نکردند مگر شبانگاهی.

### ترجمه قرآن ری

۳۵. آن روز یاد آفرند مردم آنچه کرده بود.
۳۶. و بیرون آفرند دوزخ را از بهر آن کسی که بخواهد دیدن آنرا.
۳۷. اما آن کسی که کافر شد،
۳۸. و برگزید زندگانی این جهان،
۳۹. بدرستی که دوزخ آنست جایگاه وی.
۴۰. و اما آن کسی که بترسد از بایستادن پیش خداوندش و باز دارد تن خویش از آرزوی حرام.
۴۱. بدرستی که بهشت بود جایگاه وی.
۴۲. می پرسند ترا یا محمد از رستخیز که کی برخواهد خاستن؟
۴۳. چه کارست ترا با گفتار آن ایشان؟
۴۴. با خداوند تو است دانستن آن.
۴۵. از بهر آنکه تو یا محمد بیم کننده آن کسی را بترسد.
۴۶. گوئی که ایشان آن روز که ببینند رستخیز نکردند درنگ در گور مگر شبانگاهی یا بامدادی.

## ترجمه زین العابدین رهنا

- ۳۵- آن روز انسان بیاد آورد آنچه کرده.
- ۳۶- و دوزخ نشان داده شود بهر آنکه بهیند؛
- ۳۷- و اما آن که سرکشی کرد،
- ۳۸- و زندگانی این جهان را برگزید.
- ۳۹- بیگمان دوزخ جایگاه (او)ست،
- ۴۰- و اما آنکس که از ایستادن در پیشگاه پروردگارش ترسید، و نفس خویش را از هوی و هوس بازداشت؛
- ۴۱- بیگمان بهشت جایگاه (او)ست.
- ۴۲- ترا می پرسند از رستاخیز که چه وقت برپا شود؟
- ۴۳- تو چه دانی خبر آن را؟
- ۴۴- غایت آن نزد پروردگار تو است.
- ۴۵- جز این نیست که تو بیم دهنده‌یی آنکس را که از آن (= روز) بترسد؛
- ۴۶- روزی که آنرا بهینند گوئی در جهان جز شامگاه یا چاشتگاهی درنگ نکرده‌اند

## ترجمه عبدالمحمد آیتی

- ۳۵- روزی که آدمی همه اعمال خود را به یاد آورد،
- ۳۶- و جهنم را به هر که می بیند نشان دهند؛
- ۳۷- پس هر که طغیان کرده،
- ۳۸- و زندگی اینجهانی را برگزیده،
- ۳۹- جهنم جایگاه اوست.
- ۴۰- اما هر کس که از عظمت پروردگارش ترسیده و نفس را از هوی باز داشته،
- ۴۱- بهشت جایگاه اوست.
- ۴۲- تو را از قیامت می پرسند که چه وقت واقع شود.
- ۴۳- از یاد کردن آن تو را چه کار است؟
- ۴۴- منتهای آن نزد پروردگار توست.
- ۴۵- جز این نیست که تو کسانی را که از آن روز بترسند بیم می دهی.
- ۴۶- چون آن را ببینند، پندارند در این جهان جز یک شامگاه یا چاشت درنگ نکرده‌اند.

## ترجمه میدی

۱۴۸- و قوم موسی ساختند و کردند از پس غائب شدن موسی به طور از آن پیرایه‌های ایشان که از آل فرعون بعاریت خواسته بودند گوساله‌ای کالبدی بیجانی بانگی درو نمی‌بینند که او با ایشان سخن نمی‌گوید؟ و ایشانرا بهیچ راه نمی‌نماید؟ بخدائی گرفتند آنرا و در آن ستمکار بودند بر خود.

۱۴۹- و چون پشیمان گشتند از پرستیدن گوساله و دیدند که از راه بیراه گشتند گفتند: اگر نبخشاید بر ما خداوند ما و نیامرزد ما را ناچار که از زیانکاران باشیم و از نومیدان.

۱۵۰- و چون موسی از طور با قوم خویش آمد [آگاهی یافته از گاوپرستی ایشان] و وی خشمگن و بغایت اندوهگن گفت [برادر خویش را] بد خلیفتان بودید مرا از پس غیبت من! دیر آمد شما را وعده‌ای که خداوند شما نهاده بود شما را [که من باز آیم با شما] و تخته‌ها بیفکند او را فرا خود کشید موی و محاسن گرفته گفت [هرون] ای پسر مادر من! قوم مرا بیچاره و اندک دیدند و بیچاره گرفتند و کاستندی [اگر من سخن افزودمی] مرا بکشتندی دشمنان بمن شاد مکن و مرا در عداد مجرمان من و با گناهکاران یکسان مکن.

۱۵۱- گفت: خداوند من! بیامرز مرا و برادر مرا و در آر ما را در بخشایش خویش و تو مهربانتر مهربانانی.

## ترجمه قرآن ری

۱۴۸. و گرفت قوم موسی از پس شدن او به طور از پیرایه‌اشان تن گوساله‌یی که تن او را آواز می‌بود خدای گفت: نمی‌دیدی که گوساله نگفت سخن و ایشان و نمود ایشانرا راهی؟ گرفتند بخدایی گوساله را و بودند ستم‌کنندگان ۱۴۹. و چون پشیمانی آمد در ایشان و بدیدند که ایشان گم شدند گفتند: اگر نکنند رحمت و ما خداوند ما و بیامرزد ما را، باشیم ما از زیان‌کاران.

۱۵۰. و چون باز آمد موسی با قوم خویش خشم‌آلود و اندوهگن، گفت: بد چیزی است که واپس گذاشتی از پس شدن من به طور. بشدی پیش وعده خدای شما و بیوگند الواح را از دست و گرفت سر برادر خویش کشید و اخویشتن گفت هرون: ای پسر مادرم قوم ضعیف داشتند مرا و خواستند که بکشند مرا. بمکن شاد به من دشمنانرا و مه کن مرا و اگر وه ستم‌کاران.

۱۵۱. گفت موسی: یارب بیامرز مرا و برادر مرا و فرو آر ما را در بهشت خویش، و تویی ارحم الراحمین.

## ترجمه زین العابدین رهنما

- ۱۴۸- و قوم موسی پس از آن، از زیورهای خود گوساله‌یی ساختند که پیکر بیجانی بود و آواز گاو داشت. آیا امیدیدند که با آنها سخن نمی‌گوید و راهی بآنها نمی‌نماید؟ آنرا (معبود خود) گرفتند و ستمگاران بودند.
- ۱۴۹- و چون پشیمان گشتند و مشاهده کردند که گمراه شده‌اند گفتند: اگر پروردگار ما بر ما نبخشد و ما را نیامرزد البته از زیانکاران خواهیم بود.
- ۱۵۰- و چون موسی بسوی قوم خود خشمگین و اندوهناک بازگشت، گفت: پس از من بدکاری کردید چه زود از فرمان پروردگار خویش بیرون رفتید و الواح را بیفکند (موسی) سر برادرش را بگرفت و او را بسوی خود کشید (هارون) گفت: ای پسر مادر من بیگمان این قوم مرا ناتوان دیدند و نزدیک بود مرا بکشند پس دشمن مرا شاد مکن و مرا با گروه ستمکاران قرار مده.
- ۱۵۱- (موسی) گفت: پروردگار من، من و برادرم را بیامرز. و ما را در رحمت خود درآور، و تو بخشنده‌ترین بخشندگانی.

## ترجمه عبدالمحمد آبتی

- ۱۴۸- قوم موسی بعد از او از زیورهایشان تندیس گوساله‌ای ساختند که بانگ می‌کرد. آیا نمی‌بینند که آن گوساله با آنها سخن نمی‌گوید و ایشان را به هیچ راهی هدایت نمی‌کند؟ آن را به خدایی گرفتند و بر خود ستم کردند.
- ۱۴۹- و چون از آن کار پشیمان شدند و دیدند که در گمراهی افتاده‌اند، گفتند: اگر پروردگار ما به ما رحم نکند و ما را نیامرزد، در زمره زیان‌کردگان خواهیم بود.
- ۱۵۰- چون موسی خشمگین و اندوهناک نزد قوم خود بازگشت، گفت: در غیبت من چه بد جانشینانی بودید. چرا بر فرمان پروردگار خود پیشی گرفتید؟ الواح را بر زمین افکند، و سر برادرش را گرفت و به سوی خود کشید. هارون گفت: ای پسر مادرم، این قوم مرا زبون یافتند و نزدیک بود که مرا بکشند، مرا دشمن‌کام مکن و در شمار ستم‌کاران میاور.
- ۱۵۱- گفت: ای پروردگار من، مرا و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت خویش داخل کن که تو مهربان‌ترین مهربانانی.

### ترجمه میدی

۱۵۲- ایشان که گوساله را خدای گرفتند آری بایشان رسد خشمی از خداوند ایشان و خواری درین جهان و همچنین پاداش دهیم نو آورندگانرا در دین رسول پس مرگ او.

۱۵۳- و ایشان که گناهان کردند و باز گشتند پس از آن و بگرویدند [که الله گناهان ایشان می دید، و آمرزش ایشان دارد و تواند] خداوند تو پس گناهان ایشان حقا که آمرزگار است و بخشاینده.

۱۵۴- و چون خاموش ایستاد از موسی خشم و بیارامید تخته ها برگرفت و در نسخت آن راهنمونی است و بخشایشی ایشان را که از خداوند خویش میترسند.

۱۵۵- برگزید موسی از قوم خویش هفتاد مرد هنگامی که نامزد کرده بودیم چون زلزله و صیحه جبرئیل ایشانرا گرفت و مردند موسی گفت خداوند من! اگر خواستی تو ایشانرا در خانه ها هلاک کردی پیش از این، و مرا با ایشان [تا کفن یافتندی و جای دفن] می هلاک کنی ما را بآنچه نادانی چند کردند از ما نیست این بودنها که می بود مگر آزمایش تو گمراه کنی بآن او را که خواهی و راه نمائی بآن او را که خواهی ارسد ترا هر چه کنی [خداوند مائی مهربان و یار مائی بیامرز ما را و ببخشای بر ما و تو بهتر آمرزگاری.

### ترجمه قرآنی

۱۵۲. بدرستی که آنها که گرفتند بخدای گوساله را، بیافت ایشانرا خشمی از خداوندشان و مذلت اندر زندگانی این جهان. و هم چنین عقوبت کنیم دوزخیان را.

۱۵۳. و آن کسانی که کردند بدیها پس توبه کردند از پس آن و ایمان آوردند بدرستی که خدای تو از پس آن آمرزنده و بخشاینده است.

۱۵۴. و چون بیارامید از موسی خشم. و موسی گرفت لوحها را و در لوحها بود هدی و رحمتی مرآنها را که ایشان مر خداوندشان [را] ترسکار بودند.

۱۵۵. و برگزید موسی قوم خویش را هفتاد مرد را به میعاد ما را چون گرفت ایشانرا آتش. گفت موسی: یارب اگر خواستی هلاک کردی ایشانرا از پیش و مرا نیز به ایشان. می هلاک کنی ما را بدانچه کردند جاهلان از ما، نیست این مگر بلیت تو. گم کنی بدان فتنه آنرا که خواهی و راه نمایی آنرا که خواهی تویی خداوند ما، بیامرز ما را و رحمت کن بر ما و تویی بهترین آمرزندگان.

## ترجمه زین العابدین رهنا

۱۵۲- بیگمان، آنکسان که گوساله را به (خدایی) گرفتند، بزودی خشمی از پروردگارشان و خواری در زندگی دنیاشان بآنها برسد و (ما) اینچنین دروغ‌سازان را کیفر دهیم.

۱۵۳- و کسانی که کارهای بد کردند آنگاه بعد از آن توبه کردند و ایمان آوردند، بیگمان پروردگارت - پس از آن (توبه) - آمرزگار مهربان است.

بخش هیجدهم - و چه وقت موسی الواح را برگرفت.

۱۵۴- و چون خشم موسی فرو نشست، الواح را برگرفت، در حالی که در نسخه آن هدایت و رحمت بود برای کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند.

۱۵۵- و موسی از قوم خود هفتاد مرد برای وعده گاه ما برگزید و چون آنها را صاعقه در گرفت، گفت: ای پروردگار من! اگر می‌خواستی آنها را و مرا پیش از این هلاک می‌کردی. آیا ما را بد آنچه کم خوردان، کردند هلاک می‌کنی؟ این، جز امتحان تو نیست، هر که را خواهی بدان گمراه می‌کنی و هر که را خواهی راه می‌نمایی. تویی یاور ما، پس ما را بیامرز و بر ما ببخشای و تو نیکوترین آمرزندگان.

## ترجمه عبدالمحمد آیتی

۱۵۲- آنان که گوساله را برگزیدند به زودی به غضب پروردگارشان گرفتار خواهند شد و در زندگانی اینجهانی به خواری خواهند افتاد. دروغگویان را اینچنین کیفر می‌دهیم.

۱۵۳- آنان که مرتکب کارهای بد شدند، آنگاه توبه کردند و ایمان آوردند، بدانند که پروردگار تو پس از توبه، آمرزنده و مهربان است.

۱۵۴- چون خشم موسی فرو نشست، الواح را برگرفت. و در نوشته‌های آن، برای آنهايي که از پروردگارشان بیمناکند، هدایت و رحمت بود.

۱۵۵- موسی برای وعده گاه ما از میان قومش هفتاد مرد را برگزید. چون زلزله آنها را فرو گرفت، گفت: ای پروردگار من، اگر می‌خواستی ایشان را و مرا پیش از این هلاک می‌کردی. آیا به خاطر اعمالی که بیخردان ما انجام داده‌اند ما را به هلاکت می‌رسانی؟ و این جز امتحان تو نیست. هر کس را بخواهی بدان گمراه می‌کنی و هر کس را بخواهی هدایت. تو یاور ما هستی، ما را بیامرز و بر ما ببخشای که تو بهترین آمرزندگان.



### ترجمه میبیدی

۱۵۶- و بنویس ما را و واجب کن درین گیتی نیکوئی و در آن گیتی هم ما بتو باز گشتیم و بر تو باز آمدیم خداوند گفت: عذاب من آنست که می‌رسانم آن بآنکه خود خواهم و بخشایش من خود رسیده است بهر چیز فراهم آرم فردای قیامت آن رحمت و واجب گردانم ایشانرا که از شرک می‌پرهیزند و از خشم و عذاب من می‌پرهیزند و زکوة مال می‌دهند و ایشان که بسخنان می‌گروند.

۱۵۷- ایشان که پی می‌برند باین فرستاده پیغامبر امی نادبیر او که میباید اهل کتابین نبشته صفت نام وی بنزدیک ایشان در تورا و انجیل ایشانرا میفرماید بمعروف می باز زند ایشانرا از منکر و حلال و گشاده میکند ایشانرا پاکها و حرام و بسته میکند بر ایشان پلیدها و از ایشان فرو مینهد از آن بارهای گران [و عهدهای گرانمایه‌ای که بر بنی اسرائیل بود] و آن غلها و کارهای سخت که بر بنی اسرائیل بود پیش ازین ایشان که بگرویدند باو و آرم دارند او را و بزرگ و یاری دهند او را و پی برند بآن نور که فرو آمد با او پیروز آمدگان ایشانند.

۱۵۸- بگوی رسول من! ای مردمان! من فرستاده خدام شما همگان فرستاده آن خدای که او راست پادشاهی آسمان و زمین نیست خدائی مگر او مرده را زنده میکند و زنده را می‌میراند بگروید بخدای و برسول او پیغامبر امی او که بگرویده است بخدای و بسخنان وی و بر پی او ایستید مگر بر راه راست مانید.

۱۵۹- از قوم موسی گروهی است که با راستی میخوانند و بآن راستی میروند.

### ترجمه قرآن ری

۱۵۶. و بده ما را اندرین جهان نیکوی و اندر آن جهان آمرزش که ما توبه کردیم به تو. گفت خدای: عذاب من برسانم بدان کس که خواهم. و رحمت من رسیدست [به] هر چیزی. واجب کردیم رحمت خویش مرآنها که بپرخیزند و دهندگان زکوة را وان کسانی که ایشان به آیتها ما ایمان آرند.

۱۵۷. آن کسانی که متابعت کنند رسول را پیغامبر امی آن پیغامبری که یافتند نام او نبشته در تورت نزدیک ایشان در تورت و در انجیل می‌بفرماید ایشانرا به نیکوی و نهی کند ایشانرا از منکرات. و حلال کند ایشانرا پاکیزک و حرام کند و ایشان پلیدها و بنهد از ایشان گرانی شریعت و سختهای آنکه بود در بنی اسرائیل و آن کسانی که ایمان آوردند بدو. و ثنا گفتند او را و نصرت کردند او را و متابعت کردند قرآن را آنکه فرستاده بودند و او. ایشانند که ایشان رستگارانند.

۱۵۸. بگویا محمد: ای مردمان که من رسول خدایم به شما جمله، آن خدایی که او را سنت پادشاهی آسمانها و زمین. نیست خدایی مگر او زنده کند و بمیراند. ایمان آورید به خدای و رسول او پیغامبر امی آن کس که ایمان آورد به خدای و به کتابهای او تا مگر شما راه یافتگان باشی.

۱۵۹. و از قوم موسی جماعتی اند، راه یافتگان به حق و بدان عدل کردند.

## ترجمه زین العابدین رهنما

۱۵۶- و برای ما، در این دنیا نیکی مقدر فرما و در آخرت (نیز). بیگمان ما بسوی تو باز گشتیم. (خدا) گفت عذاب خویش را بهر که خواهم برسانم، و رحمت من همه چیز را فرا گرفته است، پس بزودی آنرا واجب کنم برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکوة می‌دهند، و کسانی که بآیات ما ایمان می‌آورند؛

بخش نوزدهم - آنکسان که نبی امی را پیروی می‌کنند

۱۵۷- آن کسان که رسول نبی امی را پیروی می‌کنند؛ آنکس که (نام) او را نزد خودشان، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند؛ آنها را بکار پسندیده می‌فرماید و از کار ناپسند باز می‌دارد و برایشان پاکیزه‌ها را حلال می‌کند و ناپاک‌ها را بر آنها حرام می‌کند و بارهای گران آنها و زنجیرهای (عهود) را که برایشان بوده فرو می‌نهد. پس کسانی که باو ایمان آوردند و او را تأیید نمودند و یاریش کردند و از نوری که با او فرستاده شد پیروی کردند، آنها رستگارانند. ۱۵۸- بگو: ای مردم! بیگمان من فرستاده خدا بسوی همه شما هستم؛ آن (خدایی) که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست، معبودی جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند. پس بخدا و فرستاده او که پیامبر امی است ایمان آورید؛ آنکس که بخدا و کلمات او ایمان آورده است. و از او پیروی کنید، باشد که هدایت شوید. ۱۵۹- و از قوم موسی گروهی هستند که به (راه) حق هدایت می‌کنند و به آن عدالت (توجه) می‌نمایند.

## ترجمه عبدالمحمد آبتی

۱۵۶- برای ما در دنیا و آخرت نیکی بنویس. ما به سوی تو راه یافته‌ایم. گفت: عذاب خود را به هر کس که بخواهم می‌رسانم و رحمت من همه چیز را در بر می‌گیرد. آن را برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکات می‌دهند و به آیات ما ایمان می‌آورند مقرر خواهم داشت.

۱۵۷- آنان که از این رسول، این پیامبر اُمّی که نامش را در تورات و انجیل خود نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند- آن که به نیکی فرمانشان می‌دهد و از ناشایست بازشان می‌دارد و چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال می‌کند و چیزهای ناپاک را حرام و بارگانشان را از دوشان بر می‌دارد و بند و زنجیرشان را می‌گشاید. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده‌ایم پیروی کردند، رستگارانند. ۱۵۸- بگو: ای مردم، من فرستاده خدا بر همه شما هستم. آن خدایی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و هیچ خدایی جز او نیست. زنده می‌کند و می‌میراند. پس به خدا و رسول او، آن پیامبر اُمّی که به خدا و کلمات او ایمان دارد، ایمان بیاورید و از او پیروی کنید، باشد که هدایت شوید.

۱۵۹- گروهی از قوم موسی هستند که مردم را به حق راه می‌نمایند و به عدالت رفتار می‌کنند.